Financial Accounting Research

Financial Accounting Research
E-ISSN: 2322-3405
Vol. 18, Issue 1, No.67, 2026, P: 79- 104
Received: 10.02.2026 Accepted: 25.08.2026

Designing a Framework to Evaluate Researchers' Satisfaction with Peer-Review Quality and to Propose Improvement Strategies

Gholamreza Kordestani*: Professor , Department of Accounting, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran.
kordestani@soc.ikiu.ac.ir

Hossein Rajabdorri: Postdoctoral Researcher, Department of Accounting, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran.
Hosrado@gmail.com

Abstract

Peer review plays a critical role in ensuring the quality and credibility of scientific publications. Despite its importance, researchers' satisfaction with the peer-review process has received limited systematic attention, particularly in the fields of accounting and finance. This study aims to develop a comprehensive framework for assessing researchers' satisfaction with peer-review quality and to propose effective strategies for improving the review process. Using an exploratory mixed-methods approach, key satisfaction constructs were identified through qualitative content analysis of prior literature and subsequently prioritized using survey data collected from 170 accounting and finance researchers. The findings highlight reviewer expertise, ethical behavior, impartiality, and timely yet accurate evaluation as the most influential factors shaping researchers' satisfaction. The proposed framework provides journal editors with a practical tool for evaluating and enhancing peer-review quality.

Keywords: Peer Review, Researchers' Satisfaction, Review Quality, Satisfaction Constructs, Peer-Review Process Improvement

* Corresponding author
2322-3405 © The author(s) Publisher: University of Isfahan

This is an open access article under the CC-BY-NC 4.0 License (https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0).
10.22108/far.2026.148337.2208

Introduction
The peer-review process is widely recognized as the cornerstone of academic publishing, ensuring scientific rigor, credibility, and knowledge advancement. However, increasing concerns about review delays, reviewer bias, and inadequate subject-matter expertise have raised questions about the effectiveness of peer review and researchers' satisfaction with this process. In accounting and finance journals, where methodological rigor and domain-specific expertise are essential, the absence of a standardized framework for evaluating researchers' satisfaction represents a significant research gap. This study addresses this gap by developing a structured framework to assess researchers' satisfaction with peer-review quality and by identifying practical strategies for improving the peer-review process. The study seeks to answer the following research questions: (1) What are the key constructs influencing researchers' satisfaction with peer-review quality? and (2) Which improvement strategies are perceived as most effective by researchers?

Methods & Materials
This research adopts an exploratory mixed-methods design. In the first phase, a qualitative content analysis of domestic and international peer-review literature was conducted to extract core components and constructs related to researchers' satisfaction. In the second phase, a structured questionnaire based on the identified constructs was developed. Data were collected from 170 researchers in the fields of accounting and finance using a purposive sampling approach. The collected data were analyzed using descriptive and prioritization techniques to rank satisfaction constructs and validate the proposed framework.

Findings
The results indicate that three primary constructs are critical determinants of researchers' satisfaction with peer review: (1) reviewers' scientific expertise in the manuscript's subject area, (2) ethical conduct and impartial evaluation, and (3) timely review accompanied by sufficient accuracy and depth. Among these, reviewers' subject-matter expertise received the highest priority. Furthermore, transparent ethical guidelines, systematic evaluation of reviewers by editors, and reviewer training programs were identified as the most effective strategies for improving peer-review quality.

Conclusion & Results
The findings suggest that enhancing researchers' satisfaction with peer review requires a strong emphasis on reviewers' scientific competence and professional ethics, supported by institutional and educational mechanisms. Financial incentives alone are insufficient to improve review quality. The proposed framework offers journal editors and publishers a practical instrument for assessing and improving peer-review performance. This study contributes to the accounting and finance literature by addressing a critical knowledge gap and providing actionable insights to strengthen academic publishing processes.

پژوهش‌های حسابداری مالی
سال هیجدهم، شماره اول، پیاپی (٦٧)، ١٤٠٥، ص: ٧٩- ١٠٤
تاریخ وصول: ١٤٠٤/١١/٢١ تاریخ پذیرش:١٤٠٥/٠٦/٠٣

طراحی و اعتبارسنجی چارچوب سنجش میزان رضایت پژوهشگران از کیفیت داوری همتا و ارائهٔ پیشنهادهایی برای بهبود

غلامرضا کردستانی*: استاد، گروه حسابداری، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران.
kordestani@soc.ikiu.ac.ir

حسین رجب‌دری: پژوهشگر پسادکتری، گروه حسابداری، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران.
Hosrado@gmail.com

چکیده

هدف اصلی این پژوهش طراحی و اعتبارسنجی چارچوب سنجش میزان رضایت پژوهشگران از کیفیت داوری همتا و ارائهٔ راهکارهایی برای بهبود فرایند داوری در حوزهٔ حسابداری و مالی است. نبود چارچوب منسجم و استاندارد برای ارزیابی رضایت پژوهشگران و تأثیر مستقیم آن بر کیفیت انتشار علمی انجام این پژوهش را ضروری کرد. روش پژوهش آمیخته و اکتشافی است. در گام نخست، تحلیل محتوای کیفی اسناد و ادبیات علمی داخلی و خارجی انجام شد تا مؤلفه‌ها و سازه‌های رضایت پژوهشگران استخراج شوند. در گام دوم، جامعهٔ آماری پژوهشگران حوزهٔ حسابداری و مالی با سابقهٔ ارسال مقاله بودند که از میان آنها، نمونه‌ای ۱۷۰نفره با روش تصادفی ساده انتخاب شد. روایی محتوایی نیز با روش لاوشه و نظر ۹ خبره و پایایی با آلفای کرونباخ تأیید شد. همچنین، اولویت‌بندی مؤلفه‌ها با آزمون ناپارامتریک فریدمن انجام شد. یافته‌ها نشان داد تسلط علمی داوران بالاترین اولویت را دارد، رفتار اخلاقی در رتبهٔ دوم و ارزیابی به‌موقع در رتبهٔ سوم قرار گرفت. در میان راهکارها، تدوین دستورالعمل اخلاقی شفاف مؤثرترین راهکار شناخته شد و انگیزه‌های مالی کمترین اثر را داشت. چارچوب ارائه‌شده می‌تواند به سردبیران و مدیران نشریه‌ها ابزار عملیاتی برای سنجش و بهبود کیفیت داوری ارائه دهد. برخلاف پژوهش‌های پیشین که عمدتاً بر حوزه‌های غیرحسابداری متمرکز بودند، این پژوهش دیدگاه پژوهشگران را در حوزهٔ حسابداری و مالی ایران مرکز تحلیل قرار داده است. این پژوهش افزون بر پرکردن شکاف دانشی در حوزهٔ حسابداری، به غنی‌سازی ادبیات علمی دربارهٔ رضایت پژوهشگران از داوری همتا کمک و ابزاری برای بهبود فرایندهای انتشار علمی فراهم می‌کند.

واژه‌های کلیدی: داوری همتا، رضایت پژوهشگران، کیفیت داوری، سازه‌های رضایت، بهبود فرایند داوری.

این مقاله از طرح پسادکتری دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) با شماره قرارداد ۲۷٤٤١٥/١/د استخراج شده است.

* نویسنده مسئول

2322-3405 © The author(s) Publisher: University of Isfahan

This is an open access article under the CC-BY-NC 4.0 License (https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0).

10.22108/far.2026.148337.2208 C:\Users\zohrabi\Downloads\10.22108\far.2026.146268.2150

مقدمه

«داوری همتا»[1] یکی از قدیمی‌ترین روش‌های اعتباربخشی به دانش علمی است و سابقهٔ آن به قرن هجدهم بازمی‌گردد؛ زمانی که جوامع پزشکی در بریتانیا برای ارزیابی مقاله‌ها کارگروه‌هایی تشکیل دادند (Hak et al., 2016; Jefferson et al., 2002). این فرایند با دو هدف اصلی کنترل کیفیت و بهبود مقاله‌ها، به عنوان دروازه‌بان دانش علمی عمل می‌کند (Sizo et al., 2025). با این حال، به دلیل نبود دستورالعمل‌های استاندارد و ماهیت به گونهٔ عمدهٔ ذهنی آن، کیفیت داوری با چالش‌هایی روبه‌رو است که بر رضایت پژوهشگران تأثیرگذار است (Wicherts, 2016). هدف اصلی این پژوهش طراحی و اعتبارسنجی چارچوب سنجش میزان رضایت پژوهشگران از کیفیت داوری همتا و ارائهٔ پیشنهادهایی برای بهبود این فرایند است.

اگرچه داوری همتا دارای تاریخچه‌ای طولانی است، مطالعهٔ نظام‌مند در خصوص اثرهای آن و به ویژه رضایت پژوهشگران به‌نسبت جدید است (Jefferson et al., 2002). پژوهش‌های موجود به گونهٔ عمده چالش‌هایی مانند حجم فزایندهٔ مقاله‌ها و نبود انگیزه‌های کافی برای داوران را بررسی کرده‌اند (Hak et al., 2016). با این حال، یکی از خلأهای مهم پژوهشی فقدان چارچوبی جامع برای ارزیابی رضایت پژوهشگران است. این مسئله از پیچیدگی و چندبُعدی‌بودن مفهوم کیفیت داوری ناشی می‌شود که با دیدگاه‌های مختلف مانند نویسندگان، سردبیران و داوران تفاوت دارد (Wicherts, 2016). از این رو، ضرورت دارد پژوهشی با تمرکز بر دیدگاه نویسندگان انجام شود تا مشخص شود چه معیارهایی برای آنها در یک داوری باکیفیت اهمیت دارد و چگونه این معیارها بر رضایت آنها تأثیر می‌گذارند. اگرچه برای نمونه پژوهش‌هایی مانند اولیا و شکیبا (۱۳۸۷)، بهرامی (۱۳۹۳)، امان‌اللهی و همکاران (۱۳۹۳) و ابراهیم‌پور و همکاران (١٤٠١) در محیط کشور انجام شده‌اند، هیچ کدام در محیط حسابداری نبوده و با کسب نظر پژوهشگران نیز انجام نشده است. در نتیجه، مرور ادبیات نشان می‌دهد پژوهش‌های بین‌المللی عمدتاً کیفیت داوری را از دیدگاه داوران یا سردبیران بررسی کرده‌اند (Sizo et al., 2025; Wicherts, 2016)؛ و پژوهش‌های داخلی نیز به حوزه‌های محدود اختصاص داشته‌اند و دیدگاه پژوهشگران، به عنوان اصلی‌ترین دریافت‌کنندگان پیامدهای فرایند داوری، به ویژه در حوزهٔ حسابداری، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. این خلأ صرفاً یک کمبود نظری نیست؛ زیرا نبود شاخص‌ها و چارچوبی معتبر برای سنجش رضایت پژوهشگران امکان ارزیابی نظام‌مند کیفیت داوری، شناسایی نقاط ضعف فرایند داوری و طراحی مداخلات اصلاحی توسط سردبیران و سیاست‌گذاران علمی را محدود می‌کند. در نظام علمی ایران نیز، عواملی مانند محدودبودن شبکهٔ داوران متخصص، احتمال تعارض منافع و فقدان سازوکار رسمی ارزیابی عملکرد داوران، می‌تواند کیفیت و عدالت داوری را تحت تأثیر قرار دهد. در چنین شرایطی، طراحی و اعتبارسنجی یک چارچوب بومی برای سنجش رضایت پژوهشگران، علاوه بر پرکردن خلأ موجود در ادبیات، ابزاری عملی برای پایش کیفیت داوری، بهبود عملکرد نشریه‌ها و ارتقای اعتماد پژوهشگران به نظام انتشار علمی فراهم می‌آورد.

با توجه به مطالب بیان‌شده، مسئلهٔ اصلی پژوهش حاضر نبود یک چارچوب منسجم و عملی برای سنجش میزان رضایت پژوهشگران از فرایند داوری همتاست. پژوهشگران از مهم‌ترین ذی‌نفعان فرایند داوری همتا

هستند و نقش حیاتی در تولید و انتشار دانش دارند؛ بنابراین، رضایت آنها از کیفیت داوری می‌تواند شاخصی مهم برای ارزیابی کارایی نظام انتشار علمی باشد. به دلیل نبود دستورالعمل‌های استاندارد، ارزیابی‌های داوران گاهی غیرسازنده و متناقض تلقی می‌شود؛ امری که ممکن است نه فقط به ارتقای مقاله کمک نکند، بلکه باعث کاهش رضایت و انگیزهٔ پژوهشگران نیز شود (Sizo et al., 2025). بنابراین، چالش اساسی این پژوهش این است که چگونه می‌توان با تدوین یک چارچوب، به صورت نظام‌مند و علمی به این موضوع رسیدگی کرد و بر اساس آن، راهکارهای بهبود ارائه داد. این پژوهش تلاش می‌کند با طراحی یک چارچوب نوآورانه، پاسخی برای پرسش‌های زیر ارائه کند:

- مؤلفه‌های اصلی رضایت پژوهشگران از داوری همتا کدام‌اند؟
- پژوهشگران این مؤلفه‌ها را تا چه اندازه مهم می‌دانند؟
- بر اساس یافته‌ها، چه راهکارهایی می‌توان برای بهبود داوری ارائه داد؟

روش پژوهش برای دست‌یابی به اهداف بالا، به صورت آمیخته و در گام اول با استفاده از تحلیل اسنادی و مرور نظام‌مند ادبیات خواهد بود. با بررسی و تحلیل مقاله و منابع مرتبط، ابعاد و مؤلفه‌های کلیدی «کیفیت داوری»، «رضایت پژوهشگران» و «راه‌حل‌های بهبود» شناسایی می‌شوند. سپس، با استفاده از این مؤلفه‌ها، چارچوبی نظری برای سنجش رضایت طراحی خواهد شد. این چارچوب شامل مجموعه‌ای از شاخص‌ها و معیارهای مشخص است که با کسب نظر خبرگان به صورت پرسشنامه و با کسب نظر پژوهشگران برای اولویت‌بندی استفاده می‌شود.

این پژوهش با ارائهٔ یک چارچوب نظری، به توسعهٔ دانش موجود در زمینهٔ ارزیابی رضایت پژوهشگران از کیفیت داوری همتا کمک می‌کند. ارزش افزودهٔ این پژوهش در تلفیق مفاهیم کیفیت داوری و رضایت پژوهشگران و ارائهٔ چارچوبی منسجم برای سنجش این پدیده از دیدگاه نویسندگان مقاله‌های علمی است. همچنین، چارچوب ارائه‌شده ابزاری کاربردی برای سردبیران، نشریه‌های علمی و دانشگاه‌ها فراهم می‌کند تا میزان رضایت پژوهشگران از فرایندهای داوری خود را ارزیابی کنند. بر اساس نتایج این ارزیابی، می‌توان پیشنهادهایی مشخص برای آموزش داوران، شفاف‌سازی فرایندها و ارتقای کیفیت ارزیابی‌ها ارائه کرد. به‌کارگیری این چارچوب می‌تواند به بهبود کیفیت فرایندهای داوری، افزایش شفافیت و تقویت اعتبار نشریه‌های علمی کمک کند. افزون بر این، پژوهش حاضر با تمرکز بر دیدگاه پژوهشگران حوزهٔ حسابداری و مالی، شواهدی فراهم می‌آورد که می‌تواند به غنای ادبیات داوری همتا و توسعهٔ مطالعات آتی در این حوزه یاری رساند. از این رو، انجام این پژوهش نه فقط برای توسعهٔ ادبیات کیفیت داوری در حوزهٔ حسابداری ضروری است، بلکه نتایج آن می‌تواند مبنایی برای تدوین شاخص‌های ارزیابی عملکرد داوران، اصلاح سیاست‌های سردبیری، افزایش رضایت پژوهشگران و در نهایت ارتقای کیفیت و اعتبار نشریه‌های علمی کشور باشد.

در ادامه، مبانی نظری، روش پژوهش، یافته‌ها و تحلیل‌ها و در نهایت، بحث، نتیجه‌گیری و پیشنهادها برای بهبود داوری همتا ارائه می‌شود.

مبانی نظری و پیشینهٔ پژوهش

این پژوهش بر پایهٔ مدل کیفیت خدمات «سروکوال»[۲] استوار است که پاراسورامان و همکاران آن را توسعه دادند (Parasuraman et al., 1988). این مدل بر «پارادایم تأیید–انتظار» مبتنی است؛ به این معنا که کیفیت خدمات به عنوان شکاف بین انتظارات پیشین مصرف‌کننده از خدمت و ادراک واقعی او از تجربهٔ دریافت‌شده تعریف می‌شود. هرچه این شکاف کمتر باشد، رضایت بیشتر است و هرچه بیشتر باشد، نارضایتی افزایش می‌یابد.

مدل سروکوال در اصل برای سنجش کیفیت در بخش خدمات طراحی شد و پنج بُعد اصلی را معرفی کرد که شامل «قابلیت اعتماد»[۳]، «قابلیت اطمینان»[٤]، «عوامل ملموس»[٥]، «همدلی»[٦] و «قابلیت پاسخ‌گویی»[۷] می‌شوند، اما به دلیل انعطاف‌پذیری نظری زیاد، به طور گسترده در آموزش عالی و خدمات علمی نیز به کار رفته است؛ برای نمونه، به منظور سنجش شکاف بین انتظارات دانشجویان و تجربهٔ واقعی آنها در محیط‌های دانشگاهی (Parasuraman et al., 1988) استفاده شده است. در پژوهش حاضر، این چارچوب با محیط داوری همتا تطبیق داده می‌شود و پژوهشگران در نقش «مشتری خدمت»، فرایند داوری همتا در نقش «خدمت» و رضایت آنها به عنوان «شکاف ادراک‌شده بین انتظار و عملکرد واقعی داوران» در نظر گرفته می‌شود.

بر این اساس، سه سازهٔ اصلی پژوهش (تسلط علمی، رفتار اخلاقی و ارزیابی به‌موقع) به ترتیب سه بُعد اصلی انتظارات پژوهشگران از فرایند داوری هستند که شکاف بین انتظار و ادراک در هر کدام تعیین‌کنندهٔ سطح رضایت نهایی است. همچنین، ارزیابی کیفیت داوری‌ها به گونهٔ ذاتی ذهنی است و درک دقیق متن داوری و نیت داور اهمیت زیادی دارد (Ghosal et al., 2022)؛ امری که با ماهیت ادراک‌محور مدل سروکوال هم‌سو است.

سیستم انتشار علمی به داوران متکی است تا پژوهش‌ها را ارزیابی و به سردبیران در تصمیم‌گیری کمک کنند. با این حال، مهارت‌های لازم برای داوری مؤثر به‌خوبی تعریف نشده‌اند و قواعدی استاندارد برای نوشتن گزارش‌های داوری وجود ندارند (Iivari, 2016 Glonti et al., 2019;). نبود استاندارد مشخص چند دلیل دارد؛ بیشتر داوری‌ها به شکل داوطلبانه انجام می‌شوند (Iivari, 2016)، گزارش‌های داوری به گونهٔ معمول منتشر نمی‌شوند (Bannister & Janssen, 2019) و باور رایج این است که داوران باید آزادی عمل کامل برای ارزیابی داشته باشند (Seeber, 2020).

پژوهش‌های اخیر این چالش‌ها را تأیید و تعمیق کرده‌اند. کادایفچی و همکاران نشان دادند رفتارهای غیراخلاقی در فرایند داوری نادر نیستند و زنان و پژوهشگران از کشورهای درحال‌توسعه بیشتر در معرض نقض اخلاق داوری هستند (Kadaifci et al., 2025). پلیکوری و همکاران تأکید کردند با افزایش حجم مقاله‌ها، بار کاری داوران به‌شدت افزایش می‌یابد و این امر کیفیت داوری را تهدید می‌کند (Pellicori et al., 2025). منابع موجود بیشتر بر نظریه و دستورالعمل‌های کلی تکیه دارند، اما مطالعه‌ها نشان می‌دهند این دستورالعمل‌ها فاقد جزئیات عملی هستند (Glonti et al., 2019) و داوران معمولاً معیارهای خود را بر اساس تجربه و پیش‌زمینهٔ شخصی تعیین می‌کنند (Winck et al., 2011). ویژگی‌های شخصی داوران نیز اهمیت دارند؛ زیرا نگرش‌ها، روش‌ها و دیدگاه‌های آنان متفاوت هستند (Graue, 2006). این تفاوت‌ها باعث می‌شود کیفیت داوری‌ها بسیار

متغیر باشد و وقتی داوری مبهم، سطحی یا جانب‌دارانه باشد، نه نویسنده و نه سردبیر از آن بهره‌ای نمی‌برند (Gore, 2018).

در جدیدترین تلاش برای نظام‌مندکردن معیارهای داوری، لی و همکاران با تحلیل ۱۵۷ منبع ناهمگن شامل ۳۳ مقالهٔ پژوهشی، ۲۰ مرور ادبیات و ۸٤ دستورالعمل داوری، چارچوب معیار چهارسطحی برای داوری ارائه دادند که پنج مقولهٔ اصلی (ارزش برای مجله، استفادهٔ مؤثر از ادبیات، دقت، وضوح و انطباق) را با ۱۲ مؤلفه و ۳۳ آیتم معرفی کرد (Li et al., 2025). همچنین، گفتنی است کیفیت گزارش داوری همتا تعریف جهانی پذیرفته‌شده‌ای ندارد (Superchi et al., 2019 Tennant & Ross-Hellauer, 2020;) که این امر ضرورت تدوین چارچوب‌های بومی و حوزه‌محور را بیش از پیش روشن می‌کند.

بر اساس مدل سروکوال و مرور ادبیات، سه سازهٔ اصلی پژوهش به شرح زیر تعریف می‌شوند:

سازهٔ اول: تسلط علمی داوران به موضوع مقاله بُعد «قابلیت اعتماد» مدل سروکوال را در محیط داوری همتا نمایندگی می‌کند و به درجه‌ای اشاره دارد که داور درک عمیق از روش‌شناسی، ادبیات نظری و حوزهٔ موضوعی مقاله دارد و می‌تواند بازخورد سازنده ارائه دهد. برای نمونه، پژوهش‌های متعدد نشان داده‌اند تخصص داور مهم‌ترین عامل رضایت نویسندگان است (Sizo et al., 2025؛ Wicherts, 2016؛ ابراهیم‌پور و همکاران، ۱٤۰۱). در سطح عملیاتی، این سازه از طریق هشت مؤلفه سنجیده می‌شود.

سازهٔ دوم: رفتار اخلاقی و ارزیابی بی‌طرفانه بُعد «همدلی» و «قابلیت اطمینان» مدل سروکوال را در محیط داوری نمایندگی می‌کند و به میزانی اشاره دارد که داور از سوگیری شخصی، رقابت علمی و قضاوت غیرمرتبط با محتوا پرهیز می‌کند. کادایفچی و همکاران نشان دادند نبود بی‌طرفی یکی از مهم‌ترین مشکل‌های ساختاری داوری است (Kadaifci et al., 2025). امان‌الهی و همکاران (۱۳۹۳) نیز به اهمیت معیارهای عینی و ذهنی داوران اشاره دارند. کاظم‌پور و همکاران (۱٤۰۳) نیز به اهمیت اخلاق در فرایند داوری اشاره دارند. در سطح عملیاتی، این سازه از طریق احترام به نویسندگان، عاری‌بودن از سوگیری و تعهد اخلاقی سنجیده می‌شود.

سازهٔ سوم: ارزیابی در زمان مورد انتظار همراه با دقت بُعد «پاسخ‌گویی» مدل سروکوال را در محیط داوری نمایندگی می‌کند و به انجام داوری در بازهٔ زمانی معقول با کیفیت کافی اشاره دارد. پلیکوری و همکاران تأکید کردند تأخیر در داوری یکی از معضل‌های جدی نظام انتشار علمی است. در سطح عملیاتی، این سازه از طریق پنج مؤلفه سنجیده می‌شود (Pellicori et al., 2025).

ادبیات پژوهش دربارهٔ کیفیت داوری همتا طی دو دههٔ اخیر مسیر تکاملی مشخصی را طی کرده است. این ادبیات ابتدا بر شناسایی چالش‌های فرایند داوری متمرکز بود، سپس عوامل مؤثر بر کیفیت داوری را شناسایی کرد و در سال‌های اخیر به سمت طراحی چارچوب‌ها، معیارهای استاندارد و سازوکارهای ارزیابی کیفیت داوری و رضایت ذی‌نفعان حرکت کرده است. بر همین اساس، مطالعات پیشین را می‌توان در سه دستهٔ زیر طبقه‌بندی کرد:

نخستین مطالعات خارجی بیشتر بر تبیین نقش داوری همتا و شناسایی چالش‌های آن متمرکز بودند. در ادامه، هاک و همکاران و ویچرتز نشان دادند افزایش حجم مقاله‌ها، کمبود داوران متخصص و نبود انگیزهٔ کافی، کیفیت داوری را تهدید می‌کند (Wicherts, 2016Hak et al., 2016 ;). در سال‌های اخیر، این خط پژوهشی توسعه

یافت؛ به گونه‌ای که پلیکوری و همکاران با تأیید این چالش‌ها، ایجاد یک پلتفرم جهانی برای سنجش کمّی کیفیت، به‌موقع‌بودن و اثرگذاری داوری را پیشنهاد کردند (Pellicori et al., 2025) و کادایفچی و همکاران نیز نقش مشوق‌ها و مشارکت ذی‌نفعان را در ارتقای کیفیت و بی‌طرفی داوری برجسته کردند (Kadaifci et al., 2025). در سطح داخلی نیز، جهانی و صالحی (١٤٠٣) وجود چالش‌های مشابه را در نظام داوری مجلات ایران گزارش کردند.

پس از شناسایی چالش‌ها، پژوهش‌های خارجی به سمت تدوین معیارها و چارچوب‌های استاندارد برای ارزیابی کیفیت داوری حرکت کردند. دیدومنیکو و همکاران و گلونتی و همکاران بر ناکافی‌بودن دستورالعمل‌های موجود تأکید کردند (DiDomenico et al., 2017; Glonti et al., 2019). همچنین، چونگ و لین در مرور نظام‌مند خود نشان دادند کیفیت بازخورد داوری یکی از مهم‌ترین عوامل اثرگذاری نشریه‌های علمی است (Chong & Lin, 2024). این روند در پژوهش لی و همکاران به اوج رسید؛ به گونه‌ای که آنان چارچوبی چهارسطحی و جامع برای ارزیابی کیفیت داوری ارائه کردند (Li et al., 2025).

دستهٔ سوم مطالعات داخلی مانند اولیا و شکیبا (١٣٨٧)، بهرامی (١٣٩٣)، امان‌اللهی و همکاران (١٣٩٣) و ابراهیم‌پور و همکاران (١٤٠١) است که در ایران تلاش‌هایی در زمینهٔ داوری انجام داده‌اند، اما همگی در حوزه‌های غیرحسابداری بوده‌اند و هیچ کدام با محوریت دیدگاه مستقیم پژوهشگران یا با رویکرد اولویت‌بندی مؤلفه‌ها طراحی نشده است.

مرور این سه دسته از مطالعات نشان می‌دهد شکاف پژوهشی موجود سه‌وجهی است. نخست، هیچ چارچوب بومی برای سنجش رضایت پژوهشگران در نشریه‌های حسابداری ایران توسعه نیافته است؛ دوم، دیدگاه نویسندگان به عنوان اصلی‌ترین ذی‌نفع، در مطالعات داخلی محور قرار نگرفته است؛ و سوم، ترکیب مدل سروکوال با رویکرد آمیختهٔ کیفی–کمّی برای استخراج مؤلفه‌ها و اولویت‌بندی آنها در حوزهٔ داوری علمی ایران بی‌سابقه است. پژوهش حاضر با هدف پرکردن این شکاف طراحی شده است.

روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، آمیخته از نوع اکتشافی است. در گام نخست، به منظور شناسایی مؤلفه‌ها و شاخص‌های مؤثر بر رضایت پژوهشگران از کیفیت داوری همتا، از تحلیل محتوای کیفی اسناد و ادبیات پژوهش استفاده و در گام دوم، با بهره‌گیری از نظر پژوهشگران، چارچوب استخراج‌شده اعتبارسنجی و اولویت‌بندی شد.

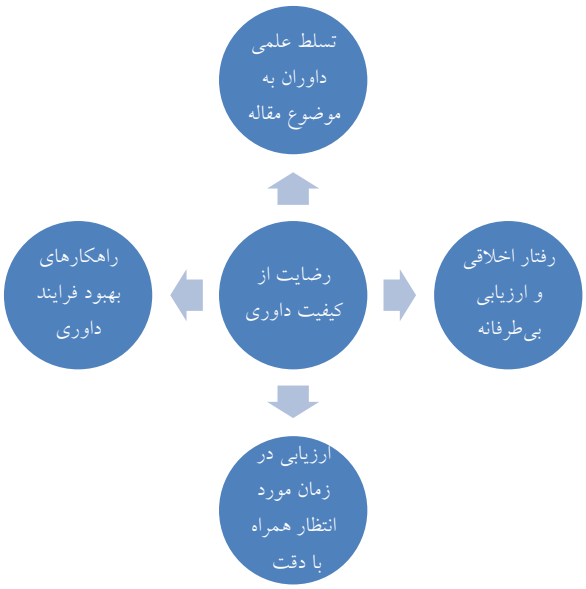
بر اساس الگوی پیاز پژوهش کیفی کردستانی و رجب‌دری (١٤٠٤)، این پژوهش بر پارادایم تفسیری استوار است و واقعیت و دانش توسط تعامل پژوهشگر و مشارکت‌کنندگان ساخته می‌شود. افزون بر این، دیدگاه انتقادی و پساساختارگرا برای تحلیل روابط قدرت و تفسیر لایه‌های چندوجهی داوری همتا مدنظر قرار گرفته است. در لایهٔ دوم، پژوهش از رویکرد استقرایی استفاده می‌کند تا بر اساس تحلیل اسناد و ادبیات، چارچوب نظری رضایت پژوهشگران از داوری همتا استخراج شود. بر اساس لایهٔ سوم، روش اصلی پژوهش تحلیل محتوای

کیفی و ترکیبی از روش‌های تکمیلی برای شناسایی مؤلفه‌ها، کدها و مقوله‌ها و طراحی چارچوب نظری است. طبق لایهٔ چهارم، پژوهش از رویکرد آمیخته استفاده می‌کند؛ ابتدا کیفی (تحلیل محتوا و استخراج مؤلفه‌ها)، سپس کمّی (پرسشنامه و اولویت‌بندی توسط پژوهشگران). بر اساس لایهٔ پنجم، پژوهش مقطعی است؛ داده‌ها در بازهٔ زمانی پاییز و زمستان ۱٤۰٤ جمع‌آوری و تحلیل شدند. همچنین، طبق لایهٔ ششم، شامل جمع‌آوری داده‌ها از اسناد و مقاله‌های داخلی و خارجی، تحلیل محتوای کیفی، طراحی پرسشنامه، کسب نظر خبرگان و پژوهشگران و تحلیل داده‌ها برای اعتبارسنجی و اولویت‌بندی مؤلفه‌هاست.

در مرحلهٔ کیفی، با پیروی از رویکرد «تحلیل محتوای کیفی عرفی»[۸] به دنبال پژوهش‌های هسیه و شانون (Hsieh & Shannon, 2005)، نمازی و رجب‌دری (۱۳۹۷) و کردستانی و رجب‌دری (۱٤۰۰)، اسناد، آیین‌نامه‌ها و مقاله‌های مرتبط با داوری همتا، کیفیت داوری و رضایت پژوهشگران بررسی شد. در تحلیل محتوای کیفی، اطلاعات جمع‌آوری‌شده به وسیلهٔ مصاحبه و تداعی معنا تحلیل می‌شود و نظریه‌های از پیش موجود جایگاهی ندارد. خواندن مکرر متن و ایجاد درک کامل نقطهٔ شروع تحلیل است. درک متن مبنای رمزگذاری قرار می‌گیرد و پس از استخراج رمزها بر مبنای شباهت‌ها و تفاوت‌ها، مقوله‌بندی رمز صورت می‌گیرد. مقوله‌ها را می‌توان ترکیب و بر اساس ارتباط آنها دسته‌بندی کرد. نقطه‌قوت این روش به دست آوردن اطلاعات مستقیم و آشکار از مطالعه بدون توجه به مقولهٔ نظری ازپیش‌تعیین‌شده است.

برای این منظور، کلیدواژه‌هایی شامل "Peer Review"، "Quality of Peer Review"، "Reviewer Guidelines"، "Peer Review Process" و معادل‌های فارسی آنها در پایگاه‌های گوگل اسکالر[۹]، اسکوپوس[۱۰]، پروکوئست[۱۱]، سیویلیکا، نورمگز و ایرانداک جست‌وجو شدند. دلیل استفاده از این کلیدواژه‌ها نیز آن است که به گونهٔ کلی موارد مرتبط با کیفیت داوری مقاله توسط داوران را پوشش می‌دهند. در مجموع، ۲٤ منبع معتبر داخلی[۱۲] و ٤۱ منبع معتبر خارجی[۱۳] که ارتباط مستقیم با موضوع پژوهش داشتند، شناسایی و تحلیل شدند. گفتنی است، محتوای مورد بررسی از دید پژوهشگران به اشباع رسید؛ به این معنا که جمع‌آوری داده‌ها تا جایی ادامه یافت که داده‌هایی جدید حاصل نشده است.

واحد تحلیل در این مرحله جمله یا بند معنادار در متون منتخب بود. پس از چندین بار مطالعهٔ اسناد، مفاهیم معنادار[۱٤] با استفاده از کدگذاری باز استخراج شدند. سپس، کدهای مشابه و مرتبط از طریق کدگذاری محوری در قالب مقوله‌های مفهومی سازمان‌دهی شدند و در نهایت، با استفاده از کدگذاری انتخابی، مؤلفه‌های اصلی پژوهش شکل گرفتند. در نتیجهٔ این فرایند، ۳٤ مؤلفه شناسایی شدند که در چهار سازهٔ اصلی شامل تسلط علمی داوران به موضوع مقاله، رفتار اخلاقی و ارزیابی بی‌طرفانه، ارزیابی در زمان مورد انتظار همراه با دقت و راهکارهای بهبود فرایند داوری دسته‌بندی شدند. شکل (۱) سازه‌های اصلی الگوی مفهومی پژوهش را نشان می‌دهد.



شکل ۱: الگوی مفهومی پژوهش

Figure 1: Conceptual Model of the Study

پس از انجام تحلیل محتوا و شناخت سازه‌ها و مؤلفه‌های آنها، برای بررسی روایی محتوایی پرسشنامهٔ تدوین‌شده از روش لاوشه استفاده شد (Lawshe, 1975).[۱۵] به منظور اطمینان از اینکه شاخص‌ها به بهترین نحو برای اندازه‌گیری محتوا طراحی‌شده‌اند، از شاخص روایی محتوا استفاده شد. برای این منظور، با کسب نظر ۹ نفر از خبرگان حوزهٔ حسابداری و مالی شامل ۳ استاد، ٤ دانشیار و ۲ استادیار، هر یک از پرسش‌های پژوهش با سه طیف «ضروری است»، «مفید است، اما ضروری نیست» و «ضرورتی ندارد» بررسی شد. خبرگان بر اساس سه معیار دارابودن دست‌کم مرتبهٔ استادیاری در رشتهٔ حسابداری یا مالی، سابقهٔ داوری فعال در نشریه‌های علمی-پژوهشی معتبر و آشنایی با فرایند انتشار علمی و داوری همتا از طریق نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. همچنین، از آنها خواسته شد تا اگر مورد دیگری را برای بررسی در نظر دارند، به موارد یادشده اضافه کنند. با توجه به جدول لاوشه (Lawshe, 1975)، حداقل مقدار قابل قبول روایی محتوایی برای ۹ خبره برابر ۰/۷۸ بود. گویه‌هایی حفظ شدند که مقدار آنها از مقدار بحرانی ۰/۷۸ برای ۹ خبره بیشتر بود. در نهایت، پس از انجام اصلاحات و حذف مواردی که روایی محتوایی نامناسب داشتند، ٢٤ مؤلفه باقی ماندند. در ادامه، نگارهٔ (۱) اجزای الگوی نهایی پژوهش را نشان می‌دهد که پرسشنامهٔ پژوهش نیز بر اساس آن تهیه شده است.

نگارهٔ ۱: ابعاد سنجش میزان رضایت پژوهشگران از کیفیت داوری همتا و ارائهٔ پیشنهادهایی برای بهبود

Table 1: Dimensions for Assessing Researchers' Satisfaction with the Quality of Peer Review and Providing Suggestions for Improvement

تسلط علمی داوران به موضوع مقاله
درجه‌ای که داور درک عمیق از روش‌شناسی، ادبیات و حوزهٔ موضوعی مقاله دارد و می‌تواند بازخورد سازنده ارائه دهد.

۱ ارزیابی داوران نشان داد ادبیات نظری و پیشینهٔ پژوهش به‌خوبی تحلیل شده و ارتباط آن با عنوان، پرسش‌ها و فرضیه‌ها به طور شفاف بیان شده است.

۲	داوران مقاله را با دقت مطالعه و بر اساس درک درست از روش‌شناسی پژوهش، راهنمایی‌های متناسب با اشکال بخش‌های مختلف ارائه کردند.
۳	داوران به منابع و مطالعاتی مرتبط اشاره کردند که این امر به تقویت مبانی نظری و غنای علمی پژوهش کمک کرد.
٤	پیشنهادهای داوران، با تکیه بر شناخت آنها از آخرین تحولات علمی، موجب شد به جنبه‌هایی جدید از پژوهش خود بیندیشم و بر نوآوری و ارزش نظری مقاله افزوده شود.
٥	بازخورد داوران به بهبود تحلیل داده‌ها و تفسیر یافته‌ها کمک و ایرادهای احتمالی در این بخش را روشن کرد.
٦	ارزیابی داوران به استحکام استدلال‌ها، پیوند نتایج با مبانی نظری و میزان کاربردپذیری یافته‌ها توجه داشت.
۷	داوران با ارائهٔ نکات و پیشنهادهای دقیق، کیفیت بخش «پیشنهادها» و «بیان محدودیت‌های پژوهش» را بهبود بخشیدند.
۸	به صورت کلی، نظرهای داوران به ارتقا و غنی‌سازی قابل ملاحظهٔ محتوای مقاله منجر شد.
	رفتار اخلاقی و ارزیابی بی‌طرفانه
	میزانی که داور در ارزیابی، از سوگیری شخصی، رقابت علمی و قضاوت غیرمرتبط با محتوا پرهیز می‌کند.
۱	بیان و زبان داوران در تمام ارزیابی‌ها همراه با رعایت احترام نویسندگان بود.
۲	ارزیابی داوران بر اساس استانداردهای علمی و عاری از هر گونه سلیقهٔ شخصی یا سوگیری غیرمرتبط با محتوای مقاله بود.
۳	ارزیابی داوران فاقد هر گونه نشانه‌ای از رقابت علمی یا سوءاستفاده از جایگاه بود.
٤	ارزیابی داوران نشان‌دهندهٔ تعهد آنها به مسئولیت و وظیفهٔ اخلاقی در قبال جامعهٔ علمی بود.
٥	با توجه به ارزیابی داوران، ارزیابی‌ها متناسب با ایرادها و نقاط ضعف مقاله بود و رویکرد سخت‌گیرانه و غیرمنطقی نداشت.
٦	داوران با رفتار خود به من آموختند چگونه یک داور اخلاقی باشم.
	ارزیابی در زمان مورد انتظار همراه با دقت
	انجام داوری در بازهٔ زمانی معقول با کیفیت و عمق کافی که تصمیم سردبیر را توجیه کند.
۱	پیشنهادهای داوران به صورت شفاف و قابل فهم ارائه شده بود.
۲	کیفیت و عمق ارزیابی داوران نشان‌دهندهٔ بررسی دقیق و کامل مقاله بود.
۳	داوران در ارزیابی خود، دلایلی روشن برای رد، اصلاح یا پذیرش مقاله ارائه دادند.
٤	با توجه به ارزیابی داوران، فرایند تصمیم‌گیری در مورد مقاله شفاف بود.
٥	فرایند داوری مقاله در چارچوب زمانی مورد انتظار و معقول به پایان رسید.
	راهکارهای بهبود فرایند داوری
۱	پرداخت به‌موقع حق‌الزحمهٔ منصفانه به داوران به بهبود کیفیت داوری کمک می‌کند.
۲	تقدیر و تشویق داوران برتر در سطح مجله یا همایش‌های سالانه به ارتقای کیفیت و فرهنگ داوری کمک می‌کند.
۳	برگزاری دوره‌های آموزشی برای داوران به ارتقای مهارت‌های داوری آنها کمک می‌کند.
٤	تدوین یک سازوکار مشخص برای ارزیابی عملکرد داوران توسط سردبیر مجله (بر اساس معیارهایی مانند سازنده‌بودن نظرها، تخصص و به‌هنگام‌بودن) باعث ارتقای کیفیت داوری شد.
٥	وجود دستورالعمل‌های اخلاقی شفاف باعث افزایش انصاف و بی‌طرفی در داوری می‌شود.

برای اطمینان از قابلیت اعتماد و اعتبار نیز، بر اساس معیارهای چهارگانهٔ لینکلن و گوبا در راستای اعتبارپذیری، یافته‌های کدها و مقوله‌ها به ٤ نفر (١ استاد، ٢ دانشیار و ١ استادیار) از خبرگان حوزهٔ پژوهشی حسابداری و مالی برای تأیید صحت و تطابق با درک آنها از واقعیت ارائه شد (Lincoln & Guba, 1985). برای تأییدپذیری، مستندات کامل فرایند برای امکان بازبینی توسط شخص ثالث حفظ شد. در راستای تکرارپذیری نیز، مشورت و بحث منظم با متخصصان برای بررسی منطق و سازگاری فرایند کدگذاری و تحلیل صورت گرفت. همچنین، به منظور انتقال‌پذیری، ارائهٔ توصیف دقیق و کامل از بافت، شرایط، جامعهٔ آماری (پژوهشگران و داوران حسابداری) و روش‌شناسی پژوهش صورت گرفت تا خواننده بتواند دربارهٔ قابلیت تعمیم یافته‌ها به بافت خود قضاوت کند.

در گام دوم، با کسب نظر پژوهشگرانی که دارای سابقهٔ ارسال مقاله به نشریه و کسب نظر داوری در نشریه‌های پژوهشی داخلی در یک سال گذشته هستند، با رعایت محرمانگی و اخلاق پژوهش، اولویت ابعاد الگو در راستای شناسایی چالش‌ها بررسی شد. این معیار تضمین می‌کند پاسخ‌دهندگان دارای دانش و تجربهٔ عملی دربارهٔ فرایند داوری و انتشار در نشریه‌های حسابداری و مالی هستند. همچنین، این افراد با فرایند داوری و انتشار و چالش‌های آن به طور مستقیم درگیر بوده‌اند و نظراتشان مبتنی بر تجربهٔ واقعی است. برای رده‌بندی اهمیت هر یک از مؤلفه‌ها نیز از پرسشنامهٔ طیف لیکرت و گزینه‌های «بسیار بااهمیت»، «بااهمیت»، «خنثی»، «بی‌اهمیت» و «بسیار بی‌اهمیت» استفاده شد و از پاسخ‌گویان درخواست شد تا میزان اهمیت هر عامل را در کیفیت داوری نشریه‌ها تعیین کنند. به منظور اولویت‌بندی مؤلفه‌های رضایت پژوهشگران از کیفیت داوری همتا نیز از آزمون ناپارامتریک فریدمن استفاده و بر اساس میانگین رتبه‌ها، اهمیت نسبی هر مؤلفه تعیین شد.

با توجه به اینکه دسترسی به کل افراد یادشده با پراکندگی‌های مختلف دشوار و تا حدودی غیرممکن است و آمار رسمی از تعداد آنها نیز وجود ندارد، تعداد جامعهٔ آماری نامشخص فرض و از روش تصادفی ساده[16] استفاده شد؛ بنابراین، برای محاسبهٔ حجم نمونه در جامعهٔ نامشخص، از رابطهٔ (٢) استفاده شد. δ انحراف معیار برای داده‌های طیف لیکرت ٥گزینه‌ای از رابطهٔ (١) برابر ٠/٦٦٧ است (مؤمنی و فعال‌قیومی، ١٣٨٩). با توجه به رابطهٔ (٢)، حجم نمونه حدود ١٧٠ نفر به دست می‌آید.

$$\delta = \frac{max(x_i) - min(x_i)}{6} = \frac{5-1}{6} = 0/667 \qquad \text{رابطهٔ (١)}$$

$$n = \frac{z^2{}_{\alpha/2}\delta^2}{\varepsilon^2} = \frac{(1/96)^2(0/667)^2}{(0/1)^2} = 170 \qquad \text{رابطهٔ (٢)}$$

جمع‌آوری اطلاعات مربوط به دو شیوهٔ حضوری و مجازی از افراد مدنظر انجام شد. در شیوهٔ حضوری، با مراجعه به استادان دانشگاه، دانشجویان و پژوهشگران در دسترس، پرسشنامه‌ها تکمیل شدند. در شیوهٔ مجازی نیز، پس از طراحی پرسشنامه در محیط «فرم‌نگار گوگل»[17]، دعوت‌نامه تکمیل و برای افراد یادشده ارسال و همچنین، از آنها درخواست شد تا برای پاسخ‌گویی دقیق‌تر، آن را به سایر پژوهشگران حسابداری ارسال کنند. ضریب آلفای کرونباخ نیز در نرم‌افزار SPSS بررسی شد.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش نشان داد آلفای کرونباخ پرسشنامه برای کل پرسشنامه به میزان ۰/۸۹ محاسبه شده و نشان‌دهندهٔ اعتبار داخلی خوب است. همچنین، ۱۷۰ پرسشنامه جمع‌آوری شدند که ۲۱ پرسشنامه به صورت حضوری و بقیه به صورت مجازی تکمیل شده‌اند. افزون بر آن، از ۱۷۰ پاسخ‌دهنده، ۵۷ نفر زن و ۱۱۳ نفر مرد بوده‌اند. میانگین سن آنها نیز ۳۸/۵۲ بوده است. نگارهٔ (۲) نیز اطلاعات پاسخ‌دهندگان را نشان می‌دهد.

نگارهٔ ۲: اطلاعات پاسخ‌دهندگان

Table 2: Respondents' Information

دانشگاه خدمت یا تحصیل	مرد	زن	دکتری یا دانشجوی دکتری	کارشناسی‌ارشد یا دانشجو[۱۸]	جمع
دولتی	٤٩	١٧	٤٨	١٨	٦٦
آزاد اسلامی	٣٣	٥٦	٧٦	١٣	٨٩
غیرانتفاعی	٤	٥	–	٩	٩
پیام‌نور	٥	١	–	٦	٦
جمع	١١٣	٥٧	١٢٤	٤٦	١٧٠

همچنین، از پاسخ‌دهندگان، ۹۷ نفر دارای تجربه و سابقهٔ تدریس در دانشگاه‌ها بوده‌اند که از این میان، ۵ نفر استاد، ۱۸ دانشیار، ۲٦ نفر استادیار و ٤٨ نفر مربی یا مدرس مدعو هستند. در نتیجه، یافته‌ها تا آنجا که به ویژگی جامعه‌شناختی ارتباط پیدا می‌کند، دارای ویژگی کیفی لازم از جمله در زمینهٔ روایی داخلی پژوهش نیز است.

در پاسخ به پرسش اول و دوم پژوهش، ابتدا ۳ سازه و ٢٤ مؤلفه از تحلیل محتوای کیفی استخراج شدند (نگارهٔ ۱)، سپس اولویت‌بندی آنها با آزمون فریدمن انجام شد. نتایج در نگارهٔ (۳) آمده است. گفتنی است، «راهکارهای بهبود» بخشی از سازهٔ رضایت نیست و جداگانه اولویت‌بندی شده است.

نگارهٔ ۳: میانگین، انحراف معیار و رتبهٔ سازه‌های رضایت پژوهشگران از کیفیت داوری همتا

Table 3: Mean, Standard Deviation, and Rank of the Constructs Measuring Researchers' Satisfaction with the Quality of Peer Review

ردیف	سازه	میانگین رتبه
۱	تسلط علمی داوران به موضوع مقاله	۲/٦٨
۲	رفتار اخلاقی و ارزیابی بی‌طرفانه	۲/۱۱
۳	ارزیابی در زمان مورد انتظار همراه با دقت	۱/۲۱
آمارهٔ کای‌دو فریدمن (درجهٔ آزادی، سطح معناداری)		۲۱٤/۳۷ (۲، ۰/۰۰۰)

نتایج نشان داد تفاوتی معنادار میان سازه‌ها وجود دارد. این یافته بیانگر آن است که پژوهشگران همهٔ ابعاد کیفیت داوری را به یک اندازه مهم تلقی نمی‌کنند و میان آنها نوعی اولویت‌بندی ذهنی وجود دارد. بر اساس میانگین رتبه‌ها، «تسلط علمی داوران به موضوع مقاله» بالاترین اولویت را از دید پاسخ‌دهندگان داشته است؛

امری که نشان می‌دهد پژوهشگران کیفیت داوری را پیش از هر چیز در گرو دانش تخصصی داور و درک عمیق او از موضوع، روش‌شناسی و ادبیات پژوهش می‌دانند. در رتبهٔ دوم، «رفتار اخلاقی و ارزیابی بی‌طرفانه» قرار گرفته است که بیانگر حساسیت زیاد پژوهشگران نسبت به انصاف، احترام و پرهیز از سوگیری در فرایند داوری است. این نتیجه نشان می‌دهد حتی داوری‌های فنی قوی، در صورت فقدان رفتار اخلاقی، نمی‌توانند رضایت پژوهشگران را به طور کامل تأمین کنند. در نهایت، «ارزیابی در زمان مورد انتظار همراه با دقت»، با وجود اهمیت، در اولویتی پایین‌تر نسبت به دو سازهٔ دیگر قرار گرفته است. این یافته حاکی از آن است که پژوهشگران دقت و تخصص داوری را بر سرعت آن ترجیح می‌دهند و تأخیر معقول را در صورت دریافت بازخورد علمی سازنده قابل قبول می‌دانند. به طور کلی، نتایج نشان می‌دهد ارتقای کیفیت داوری همتا بیش از هر چیز مستلزم انتخاب داوران متخصص و متعهد به اصول اخلاقی است و بهبود زمان‌بندی داوری در مرتبهٔ بعدی اهمیت قرار دارد.

در پاسخ به پرسش سوم پژوهش، راهکارهای بهبود فرایند داوری اولویت‌بندی شدند که نتایج آن در نگارهٔ (٤) آمده است.

نتایج آزمون فریدمن نشان داد بین راهکارهای پیشنهادی برای بهبود فرایند داوری همتا تفاوتی معنادار وجود دارد. این یافته بیانگر آن است که پژوهشگران همهٔ راهکارهای بهبود داوری را به یک اندازه مؤثر تلقی نمی‌کنند و میان آنها اولویت‌بندی مشخصی وجود دارد. بر اساس میانگین رتبه‌ها، «تدوین دستورالعمل‌های اخلاقی شفاف برای داوری» بالاترین اولویت را به خود اختصاص داده است. این نتیجه نشان می‌دهد از دید پژوهشگران، شفافیت در اصول اخلاقی و معیارهای داوری نقش کلیدی در افزایش انصاف، کاهش سوگیری و ارتقای اعتماد به فرایند داوری دارد.

نگارهٔ ٤: نتایج آزمون فریدمن برای اولویت‌بندی راهکارهای بهبود فرایند داوری همتا

Table 4: Results of the Friedman Test for Prioritizing Strategies to Improve the Peer-Review Process

ردیف	راهکارهای بهبود فرایند داوری	میانگین رتبه
۱	تدوین دستورالعمل‌های اخلاقی شفاف برای داوری	۳/۹۲
۲	سازوکار ارزیابی عملکرد داوران توسط سردبیر	۳/۷۸
۳	برگزاری دوره‌های آموزشی برای داوران	۳/۲۱
٤	تقدیر و تشویق داوران برتر	۲/٦٤
٥	پرداخت به‌موقع حق‌الزحمهٔ منصفانه به داوران	۱/٤٥
	آمارهٔ کای‌دو فریدمن (درجهٔ آزادی، سطح معناداری)	۲۱٤/٦۳ (٤، ۰/۰۰۰)

در رتبه‌های بعدی، «تدوین سازوکار مشخص برای ارزیابی عملکرد داوران توسط سردبیر» و «برگزاری دوره‌های آموزشی برای داوران» قرار گرفته‌اند. این امر بیانگر آن است که پژوهشگران به نقش نظارت حرفه‌ای و توانمندسازی داوران در بهبود کیفیت داوری توجه ویژه دارند و ارتقای مهارت‌های داوری را مکمل اخلاق حرفه‌ای می‌دانند. در مقابل، راهکارهایی مانند «تقدیر و تشویق داوران برتر» و به‌ویژه «پرداخت حق‌الزحمهٔ

منصفانه» در اولویت‌هایی پایین‌تر قرار گرفته‌اند. این یافته نشان می‌دهد از دید پاسخ‌دهندگان، بهبود کیفیت داوری بیش از آنکه متکی بر مشوق‌های مالی باشد، به ساختارهای اخلاقی، نظارتی و آموزشی نظام داوری وابسته است. در مجموع، نتایج این سازه تأکید می‌کند ارتقای کیفیت داوری همتا نیازمند اصلاحات ساختاری و نهادی در سطح نشریه‌ها و نظام انتشار علمی است و صرفاً با اتکا به انگیزه‌های فردی داوران محقق نخواهد شد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی این پژوهش طراحی و اعتبارسنجی چارچوب سنجش میزان رضایت پژوهشگران از کیفیت داوری همتا و ارائهٔ پیشنهادهایی برای بهبود این فرایند بود. این پژوهش با تمرکز بر دیدگاه پژوهشگران حوزهٔ حسابداری و مالی، ضمن پرکردن شکاف موجود در ادبیات، به دانش‌افزایی علمی و کاربردی کمک کرد و ابزاری عملیاتی برای سنجش رضایت پژوهشگران از فرایند داوری ارائه داد.

یافته‌های پژوهش نشان داد سه سازهٔ اصلی «تسلط علمی داوران به موضوع مقاله»، «رفتار اخلاقی و ارزیابی بی‌طرفانه» و «ارزیابی در زمان مورد انتظار همراه با دقت» از دید پژوهشگران اهمیتی متفاوت دارند. میانگین رتبه‌ها نشان داد تسلط علمی داوران به موضوع مقاله بیشترین اهمیت را دارد، زیرا پژوهشگران کیفیت داوری را پیش از هر چیز در گرو دانش تخصصی داور، درک دقیق روش‌شناسی، تحلیل داده‌ها و شناخت کامل ادبیات پژوهش می‌دانند. این یافته با نتایج مطالعات پیشین مانند ویچرتز و سیزو و همکاران هم‌سو است که نشان می‌دهند تخصص داور و دقت علمی او مهم‌ترین عامل برای افزایش رضایت نویسندگان است (Wicherts, 2016; Sizo et al., 2025). همچنین، رفتار اخلاقی و ارزیابی بی‌طرفانه در رتبهٔ دوم قرار گرفت که بر اهمیت شفافیت، انصاف و احترام در فرایند داوری تأکید دارد. این یافته با مطالعهٔ گرائو نیز تطابق دارد و نشان می‌دهد حتی داوری‌های فنی قوی، در صورت فقدان اخلاق حرفه‌ای، نمی‌توانند رضایت پژوهشگران را به طور کامل تأمین کنند (Graue, 2006). ارزیابی در زمان مورد انتظار همراه با دقت، اگرچه اهمیت دارد، از دید پاسخ‌دهندگان اولویتی پایین‌تر دارد که نشان می‌دهد پژوهشگران دقت و کیفیت علمی را بر سرعت فرایند ترجیح می‌دهند.

در بررسی راهکارهای بهبود فرایند داوری، یافته‌ها حاکی از آن است که «تدوین دستورالعمل‌های اخلاقی شفاف» بیشترین اهمیت را دارد. این نتیجه نشان می‌دهد پژوهشگران به شفافیت اصول اخلاقی و معیارهای داوری به عنوان عامل کلیدی ارتقای اعتماد و انصاف در فرایند داوری نگاه می‌کنند. پس از آن، «ارزیابی عملکرد داوران توسط سردبیر» و «برگزاری دوره‌های آموزشی برای داوران» قرار گرفته‌اند که بیانگر اهمیت نظارت حرفه‌ای و توانمندسازی داوران در افزایش کیفیت داوری است. رتبه‌های پایین‌تر «تقدیر و تشویق داوران برتر» و «پرداخت به‌موقع حق‌الزحمه» نشان می‌دهند از دید پژوهشگران، انگیزه‌های مالی کمتر از ساختارهای اخلاقی، آموزشی و نظارتی برای بهبود کیفیت داوری اثرگذار است. این نتایج با مطالعات گلونتی و همکاران و دی‌دومنیکو و همکاران هم‌سو است و اهمیت اصلاحات نهادی و ساختاری در نشریه‌ها را برجسته می‌کند (Glonti et al., 2019; DiDomenico et al., 2017).

تفسیر یافته‌ها با توجه به محیط پژوهش نشان می‌دهد نتایج کاملاً با شرایط فرهنگی و سازمانی کشور هم‌خوانی دارد. پژوهشگران حاضر در مطالعه به طور مستقیم با فرایند داوری درگیر بوده‌اند و بنابراین، اولویت‌بندی‌ها و راهکارها بازتاب واقعیت عملی و نیازهای ملموس آنها هستند.

چارچوب ارائه‌شده ابزار عملیاتی مناسبی برای سردبیران و مدیران نشریه‌ها فراهم می‌کند تا بتوانند رضایت پژوهشگران از داوری همتا را به صورت نظام‌مند ارزیابی کنند. یافته‌ها به سردبیران توصیه می‌کند در اولویت‌بندی اصلاحات، ابتدا روی انتخاب داوران متخصص و آموزش اخلاق حرفه‌ای تمرکز شود و سپس سازوکارهای ارزیابی عملکرد داوران و دوره‌های آموزشی اعمال شوند. پژوهشگران آینده می‌توانند این چارچوب را برای بررسی رضایت در حوزه‌های علمی دیگر یا تطبیق با سیستم‌های داوری الکترونیک استفاده کنند.

برای ارتقای کیفیت داوری همتا و افزایش رضایت پژوهشگران، توصیه می‌شود سردبیران و مدیران نشریه‌ها دستورالعمل‌های اخلاقی شفاف تدوین و منتشر کنند، شامل معیارهای بی‌طرفی، انصاف و رعایت اصول علمی، و سازوکار منظم ارزیابی عملکرد داوران بر اساس تخصص، کیفیت بازخورد و زمان‌بندی. برگزاری کارگاه‌ها و دوره‌های آموزشی برای داوران به منظور ارتقای مهارت‌های علمی، روش‌شناسی و اخلاق حرفه‌ای، همراه با سیستم تقدیر و تشویق داوران برتر و پرداخت حق‌الزحمهٔ منصفانه و به‌موقع، به عنوان مکمل انگیزه‌های اخلاقی، می‌تواند نقشی مؤثر در بهبود فرایند داشته باشد. همچنین، پژوهشگران می‌توانند با استفاده از چارچوب ارائه‌شده عوامل مؤثر بر رضایت از داوری را درک کنند و کیفیت مقاله‌های خود را پیش از ارسال ارتقا دهند و بازخورد داوران را برای غنای علمی و نوآوری مقاله به کار گیرند. پژوهش‌های آینده نیز می‌توانند چارچوب یادشده را در سایر حوزه‌های علمی بررسی و اثر فرایندهای داوری دیجیتال و طولانی‌مدت آموزش داوران را بر رضایت و کیفیت ارزیابی کنند.

با وجود نتایج مهم، پژوهش با محدودیت‌هایی مواجه است. اول، جامعهٔ نمونه محدود به پژوهشگران حوزهٔ حسابداری و مالی داخلی بود و به همین دلیل، تعمیم نتایج به سایر رشته‌ها نیازمند مطالعهٔ بیشتر است. دوم، ابزار پژوهش مبتنی بر پرسشنامهٔ خوداظهاری است که ممکن است تحت‌تأثیر سوگیری شخصی پاسخ‌دهندگان باشد. سوم، جمع‌آوری داده‌ها با ترکیبی از شیوهٔ حضوری و مجازی انجام شد که ممکن است تفاوت‌هایی در پاسخ‌ها ایجاد کرده باشد. چهارم، محدودیت‌های زمانی و منابع پژوهشگر برای پوشش جامعهٔ بزرگ‌تر و طولانی‌مدت‌بودن بررسی وجود داشت. با وجود این محدودیت‌ها، یافته‌ها از اعتبار داخلی کافی برخوردار است؛ زیرا روایی محتوایی ابزار با روش لاوشه و نظر ۹ خبره تأیید شد (Lawshe, 1975)، پایایی پرسشنامه با آلفای کرونباخ ۰/۸۹ تأیید شد و قابلیت اعتماد کیفی نیز بر اساس معیارهای چهارگانهٔ لینکلن و گوبا شامل اعتبارپذیری، تأییدپذیری، تکرارپذیری و انتقال‌پذیری ارزیابی شد (Lincoln & Guba, 1985).

در مجموع، این پژوهش نشان داد ارتقای رضایت پژوهشگران از داوری همتا مستلزم ترکیبی از تخصص علمی داوران، رعایت اخلاق حرفه‌ای و سازوکارهای نهادی است؛ در حالی که اصلاحات مالی و انگیزشی به‌تنهایی برای تحقق این هدف کافی نیست.

منابع

ابراهیم‌پور، زینب، ثناگو، اکرم، و جویباری، لیلا (۱٤۰۱). نگاهی متفاوت به داوری مقالات توسط همتایان. *مجلهٔ ایرانی آموزش در علوم پزشکی*، ۲۲(۱)، ۱٥٤-۱٥٥. https://ijme.mui.ac.ir/article-1-5484-fa.html

ابراهیمی، سعیده، و فرج‌پهلو، عبدالحسین (۱۳۸۹). رویکردی سایبرنتیکی به سیستم داوری مقالات در مجلات علمی. *مطالعات کتابداری و سازمان‌دهی اطلاعات*، ۲۱(۲)، ۱۸٦-۱۹۸. https://nastinfo.nlai.ir/article_226.html

ابویی‌اردکان، محمد، و میرزایی، سید آیت‌الله (۱۳۸۹). داوران و اخلاق داوری در مجله‌های علمی ایران. *اخلاق در علوم و فناوری*، ٥(۲-۱)، ۳٦-٤۷. https://sid.ir/paper/122640/fa

ارشاد، فرهنگ، قاراخانی، معصومه، و میرزایی، سید آیت‌الله (۱۳۸٤). تحلیل اسناد داوری مقاله‌های مجلهٔ جامعه‌شناسی ایران. *مجلهٔ جامعه‌شناسی ایران*، ٦(٤)، ۳-۳۳. https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.17351901.1384.6.4.2.2

اشرفی‌ریزی، حسن (۱۳۹۸). شناسایی شیوه‌های ارزشیابی و بهبود عملکرد داوران مجلات علمی-پژوهشی حوزهٔ سلامت. *مدیریت اطلاعات سلامت*، ۱٦(۳)، ۱۲۹-۱۳٥. https://doi.org/10.22122/him.v16i3.3879

امان‌اللهی، علیرضا، ساریخانی، لیلا، آژنده، افسانه، و شکرانه، فرهاد (۱۳۹۳). معیارهای عینی و ذهنی داوران در داوری مقالات چاپ و یا رد شدهٔ مجلهٔ مدیریت سلامت: سال‌های ۹۰-۹۲. *فصلنامهٔ مدیریت سلامت*، *۱۷*، ۲٦-٤٥. https://applications.emro.who.int/imemrf/J_Health_Adm/J_Health_Adm_2014_17_57_26_45.pdf

اولیا، محمدباقر، و شکیبا، مهرداد (۱۳۸۷). چگونه مقالات پژوهشی را به روش علمی و سیستماتیک داوری کنیم؟. *مجلهٔ علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد*، ۱٦(۲)، ۳-۸. https://jssu.ssu.ac.ir/browse.php?a_id=656&sid=1&slc_lang=fa

بهرامی، مسعود (۱۳۹۳). مروری نقادانه بر مقالات تحقیقاتی کیفی در مرحلهٔ داوری مجلات: یک مطالعهٔ کیفی توصیفی اکتشافی. *مجلهٔ ایرانی آموزش در علوم پزشکی*، ۱٤(٥)، ٤۱۱-٤۲۲. https://ijme.mui.ac.ir/browse.php?a_id=3035&sid=1&slc_lang=fa

پناهی، سیروس، فخارپور، سعیده، و صدقی، شهرام (۱٤۰۰). دیدگاه اعضای هیئت‌علمی دانشگاه علوم پزشکی البرز در خصوص داوری باز مقالات مجلات. *پیاورد سلامت*، ۱٥(٦)، ٥۱۹-٥۲۸. http://payavard.tums.ac.ir/article-1-7144-fa.html

جهانی، علیرضا، و صالحی، کیوان (١٤٠٣). مشکلات فرایند داوری در مجلات علمی وزارت علوم: علل و راهکارها. *آموزش عالی ایران*، ١٦(٤)، ٦٨–٩١. http://ihej.ir/article-1-2086-fa.html

حسینی، محمدعلی، احمدی، سلیمان، و حسینی‌ابرده، مریم (١٣٩٣). *یادگیری از همتا: مزایا و معایب*. پانزدهمین همایش کشوری آموزش علوم پزشکی. دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد. https://www.sid.ir/paper/873643/fa

رضاییان، محسن (١٣٨٦). مرور همتایان پس از چاپ مقاله. *مجلهٔ دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان*، ٦، ٢١٧–٢١٨. https://civilica.com/doc/1710341/

رضاییان، محسن (١٣٨٩). مروری بر مرور همتایان سردبیری. *مجلهٔ دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان*، ٩، ١٢٥–١٣٤. https://www.sid.ir/fileserver/jf/65613862510.pdf

زاهدی‌اصل، صالح (١٣٩٢). با مشکل مرور همتا برای مجلات چه کنیم؟. *مجلهٔ غدد درون‌ریز و متابولیسم ایران*، ١٥(١)، ٢–١. http://ijem.sbmu.ac.ir/article-1-1550-fa.html

سلیمی، علیرضا، و صدر، ماکان (١٣٩٨). نقش هم‌تزارخوانی Peer Review در ارتقای کیفیت مقالات علمی. مجلهٔ علمی سازمان *نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران*، ٣٧(٢)، ٦٠–٦١. https://jmciri.ir/article-1-2902-fa.html

شیخ‌شعاعی، فاطمه، و حسینی، مهدی (١٣٨٨). ویژگی‌های ضروری برای نرم‌افزار مدیریت محتوا و داوری مجله‌های علمی. *پژوهشنامهٔ پردازش و مدیریت اطلاعات*، ٢٥(٢)، ٢٨٩–٣١٥. https://jipm.irandoc.ac.ir/article_699014.html

شیخی‌چمان، محمدرضا، سندگل، سیامک، حموزاده، پژمان، و صوراسرافیل، اقدس (١٤٠١). چرخهٔ تولید شواهد علمی معتبر: نقش هم‌تزارخوانی و انگیزهٔ داوران (نامه به سردبیر). *پایش*، ٢١(٦)، ٦٣٧–٦٤٠. https://payeshjournal.ir/browse.php?a_id=1969&sid=1&slc_lang=fa

عطاران، محمد، سنگری، علی‌اکبر، و دهباشی، اکرم (١٣٨٩). نگارش علمی در آموزش عالی: نگاهی به فرایند داوری مقالات علمی‌پژوهشی. *نامهٔ آموزش عالی*، ٣(٣)، ٩–٢٢. https://journal.sanjesh.org/article_29881.html

فتاحی، سید رحمت‌الله (١٣٩٠). یادداشت سردبیر–مجله‌های علمی پژوهشی و مسئله داوری مقاله‌ها. *پژوهشنامهٔ پردازش و مدیریت اطلاعات*، ٢٧(١)، ١–٣. https://jipm.irandoc.ac.ir/article_699100.html

فدایی، غلامرضا (١٣٩٠). سخن سردبیر: داوری در مجلات؛ بخشی از مدیریت نشر. *تحقیقات اطلاع‌رسانی و کتابخانه‌های عمومی*، ١٧(١)، ١–٧. https://ensani.ir/file/download/article/20130318121104-9790-1.pdf

فرامرزقراملکی، احد (۱۳۸۹). اخلاق داوری علمی. *راهبرد فرهنگ*، ۳، ۷-۱۹.
https://www.jsfc.ir/article_44084.html?lang=fa

کاظم‌پور، زهرا، اشرفی‌ریزی، حسن، و هاشمیان، محمدرضا (۱٤۰۳). پیشنهاد منشور اخلاقی داوری آثار علمی در حوزهٔ سلامت: یک دیدگاه. *اخلاق و تاریخ پزشکی ایران*، *۱۷*(۱)، ۱۹٤-۱۸۷.
https://ijme.tums.ac.ir/article-1-6652-fa.html

کردستانی، غلامرضا، و رجب‌دری، حسین (۱٤۰۰). الگوی عوامل مؤثر بر گزارش‌دهی داخلی تخلف‌های مالی با تأکید بر پدیدهٔ تماشاگری. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۸(۱)، ۱٦۰-۱۳۵.
https://doi.org/10.22059/acctgrev.2021.300584.1008372

کردستانی، غلامرضا، و رجب‌دری، حسین (۱٤۰٤). تدوین چارچوب ارزیابی مقاله‌های کیفی حسابداری. *نشریهٔ دانش حسابداری مالی*، ۱۲(۳)، ۲۱- ٤۷. https://doi.org/10.30479/jfak.2025.22067.3295

مطلبی‌فرد، علیرضا، نوه‌ابراهیم، عبدالرحیم، محبت، هدیه، و سادین، علی‌اکبر (۱۳۹۲). آسیب‌شناسی و تدوین چارچوب داوری آثار علمی: یک رویکرد کیفی. *دانش‌شناسی*، ٦، ۷۳-۸٤ .
https://sanad.iau.ir/Journal/qje/Article/1041082

مؤمنی، منصور، و فعال‌قیومی، علی (۱۳۸۹). *تحلیل‌های آماری با استفاده از SPSS* (چاپ دوم). تهران: انتشارات کتاب نو.

میرزایی، سید آیت‌اله، ایوبی‌اردکان، محمد، قاراخانی، معصومه، و شیخ‌شعاعی، فاطمه (۱۳۸۵). هم‌ترازخوانی در مجلات علمی (مطالعهٔ موردی مجلهٔ جامعه‌شناسی ایران). *مجلهٔ جامعه‌شناسی ایران*، *۷*(٤)، ۱٤۷-۱۷۹.
http://www.jsi-isa.ir/article_25439.html

نمازی، محمد، و رجب‌دری، حسین (۱۳۹۷). اخلاق حرفه‌ای حسابرسی در ایران: تحلیل محتوا. *مطالعات تجربی حسابداری مالی*، *۱۵*، ۱-۳٤.https://doi.org/10.22054/qjma.2018.9822

نوروزی‌چاکلی، عبدالرضا (۱۳۹۹). سخن سردبیر: چالش داوری علمی و تأثیر آن بر ارتقای کیفی نشریات و توسعهٔ دانش. *پژوهش‌نامهٔ علم‌سنجی*، ٦، ۱-۳. https://doi.org/10.22070/rsci.2020.1187

نوروزی‌چاکلی، عبدالرضا (۱٤۰۳). سخن سردبیر: مدل هم‌ترازخوانی باز پس از انتشار: یک فرصت یا چالش در پیش روی مجلات علمی؟. *پژوهش‌نامهٔ علم‌سنجی*، *۱۰*(۲)، ۱-٤.
https://doi.org/10.22070/rsci.2024.4582

References

Abouei Ardakan, M., & Mirzaei, S. A. (2010). Reviewers and review ethics in Iranian scientific journals. *Ethics in Science and Technology, 5*(1–2), 36–47. https://sid.ir/paper/122640/fa [In Persian]

Alabi, J., & Weare, W. H., Jr. (2014). Peer review of teaching: Best practices for a nonprogrammatic approach. *Communications in Information Literacy*, *8*(2), 180–191. https://doi.org/10.15760/comminfolit.2014.8.2.171

Allen, H., Cury, A., Gaston, T., Graf, C., Wakley, H., & Willis, M. (2019). What does better peer review look like? Underlying principles and recommendations for better practice. *Learned Publishing*, *32*(2), 163–175. https://doi.org/10.1002/leap.1222

Amanollahi, A., Sarikhani, L., Ajandeh, A., & Shokraneh, F. (2014). Objective and subjective criteria of reviewers in reviewing accepted and rejected articles of the Health Management Journal: 2011–2013. *Quarterly Journal of Health Management*, *17*, 26–45. https://applications.emro.who.int/imemrf/J_Health_Adm/J_Health_Adm_2014_17_57_26_45.pdf [In Persian]

Ashrafi-Rizi, H. (2019). Identification of methods for evaluating and improving the performance of reviewers of scientific research journals in the field of health. *Health Information Management*, *16*(3), 129–135. https://doi.org/10.22122/him.v16i3.3879 [In Persian]

Attaran, M., Sangari, A. A., & Dehbashi, A. (2010). Scientific writing in higher education: A review of the peer-review process of scientific research articles. *Journal of Higher Education*, *3*(3), 9–22. https://journal.sanjesh.org/article_29881.html [In Persian]

Bahrami, M. (2014). A critical review of qualitative research articles during the journal peer-review process: An exploratory descriptive qualitative study. *Iranian Journal of Medical Education*, *14*(5), 411–422. https://ijme.mui.ac.ir/browse.php?a_id=3035&sid=1&slc_lang=fa [In Persian]

Bannister, F., & Janssen, M. (2019). The art of scholarly reviewing: Principles and practices. *Government Information Quarterly*, *36*(1), 1–4. https://doi.org/10.1016/j.giq.2018.12.002

Burt, C. H. (2024). *Relative openness in peer review: Current practices in criminology & sociology journals*. CrimRxiv. https://doi.org/10.21428/cb6ab371.117a25ca

Candal-Pedreira, C., Rey-Brandariz, J., Varela-Lema, L., Pérez-Ríos, M., & Ruano-Ravina, A. (2023). Challenges in peer review: How to guarantee the quality and transparency of the editorial process in scientific journals. *Anales de Pediatría*, *99*(1), 54–59. https://doi.org/10.1016/j.anpede.2023.05.006

Chong, S. W., & Lin, T. (2024). Feedback practices in journal peer-review: A systematic literature review. *Assessment & Evaluation in Higher Education*, *49*(1), 1–12. https://doi.org/10.1080/02602938.2022.2164757

Cobo, E., Cortés, J., Ribera, J. M., Cardellach, F., Selva-Callaghan, A., Kostov, B., ..., & González, J. A. (2011). Effect of using reporting guidelines during peer review on quality of final manuscripts submitted to a biomedical journal: Masked randomised trial. *BMJ*, *343*, d6783. https://doi.org/10.1136/bmj.d6783

Committee on Publication Ethics [COPE]. (2017). *Ethical guidelines for peer reviewers* (Version 2). https://publicationethics.org/guidance/guideline/ethical-guidelines-peer-reviewers

Dericks, G., Thompson, E., Roberts, M., & Phua, F. (2019). Determinants of PhD student satisfaction: The roles of supervisor, department, and peer qualities. *Assessment & Evaluation in Higher Education*, *44*(7), 1053–1068. https://doi.org/10.1080/02602938.2019.1570484

DiDomenico, R. J., Baker, W. L., & Haines, S. T. (2017). Improving peer review: What reviewers can do. *American Journal of Health-System Pharmacy, 74*, 2080–2084. https://doi.org/10.2146/ajhp170190

Ebrahimi, S., & Farajpahlou, A. (2010). A cybernetic approach to the procedures of peer-reviewing in scholarly journals. *Librarianship and Information Organization Studies, 21(2),* 186-198. https://nastinfo.nlai.ir/article_226.html [In Persian]

Ebrahimpour Mouziraji, Z., Sanagoo, A., & Jouybari, L. (2022). A different look at peer-reviewing of articles. *Iranian Journal of Medical Education, 22*:154-155. https://ijme.mui.ac.ir/article-1-5484-fa.html [In Persian]

Ershad, F., Qarakhani, M., & Mirzaei, S. A. (2005). Analysis of the review documents of articles in the *Iranian Journal of Sociology*. *Iranian Journal of Sociology, 6*(4), 3–33. https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.17351901.1384.6.4.2.2 [In Persian]

Fadaei, G. R. (2011). Editor's note: Peer review in journals: A part of publication management. *Publications and Information Research, 17*(1), 1–7. https://ensani.ir/file/download/article/20130318121104-9790-1.pdf [In Persian]

Faramarz Gharamaleki, A. (2010). Ethics of scientific peer review. *Rahbord-e Farhang, 3,* 7–19. https://www.jsfc.ir/article_44084.html?lang=fa [In Persian]

Fattahi, S. R. (2011). Editor's note: Scientific research journals and the issue of article peer review. *Iranian Journal of Information Processing and Management, 27*(1), 1–3. https://jipm.irandoc.ac.ir/article_699100.html [In Persian]

Feliciani, T., Luo, J., Ma, L., Lucas, P., Squazzoni, F., Marušić, A., & Shankar, K. (2019). A scoping review of simulation models of peer review. *Scientometrics, 121*(1), 555–594. https://doi.org/10.1007/s11192-019-03205-w

Fletcher, R. H., & Fletcher, S. W. (1997). Evidence for the effectiveness of peer review. *Science and Engineering Ethics, 3*, 35–50. https://doi.org/10.1007/s11948-997-0015-5

Fortin-Guichard, D., Boudreault, V., Gagnon, S., & Trottier, C. (2018). Experience, effectiveness, and perceptions toward sport psychology consultants: A critical review of peer-reviewed articles. *Journal of Applied Sport Psychology, 30*(1), 3–22. https://doi.org/10.1080/10413200.2017.1318416

Fresco-Santalla, A., & Hernández-Pérez, T. (2014). Current and evolving models of peer review. *The Serials Librarian, 67*(4), 373–398. https://doi.org/10.1080/0361526X.2014.985415

Ghosal, T., Kumar, S., Bharti, P. K., & Ekbal, A. (2022). Peer review analyze: A novel benchmark resource for computational analysis of peer reviews. *PLoS ONE, 17*(1), e0259238. 10.1371/journal.pone.0259238. https://doi.org/10.1371/journal.pone.0259238

Glonti, K., Boutron, I., Moher, D., & Hren, D. (2019). Journal editors' perspectives on the roles and tasks of peer reviewers in biomedical journals: A qualitative study. *BMJ Open, 9*(11), e033421. https://doi.org/10.1136/bmjopen-2019-033421

Gore, J. (2018). Making a difference through quality manuscript review. *Journal of Management Education, 42*(4), 488–494. https://research.acer.edu.au/cgi/viewcontent.cgi?article=1336&context=research_conference

Graue, B. (2006). The transformative power of reviewing. *Educational Researcher*, *35*(9), 36–41. https://doi.org/10.3102/0013189X035009036

Hak, D. J., Giannoudis, P. V., & Mauffrey, C. (2016). Increasing challenges for an effective peer-review process. *Eur J Orthop Surg Traumatol, 26*, 117–118. https://doi.org/10.1007/s00590-015-1735-x

Helmer, M., Schottdorf, A., Neef, A., & Battaglia, D. (2017). Gender bias in scholarly peer review. *eLife*, *6*, e21718. https://doi.org/10.7554/eLife.21718

Hirst, A., & Altman, D. G. (2012). Are peer reviewers encouraged to use reporting guidelines? A survey of 116 health research journals. *PLoS ONE*, *7*(4), e35621. https://doi.org/10.1371/journal.pone.0035621

Holst, F., Eggleton, K., & Harris, S. (2022). Transparency versus anonymity: Which is better to eliminate bias in peer review*? Insights*, *35*, 16. https://insights.uksg.org/articles/10.1629/uksg.584

Hosseini, M. A., Ahmadi, S., & Hosseini-Abarde, M. (2014). Peer learning: Advantages and disadvantages. *The 15th National Conference on Medical Education*, Shahid Sadoughi University of Medical Sciences. https://www.sid.ir/paper/873643/fa [In Persian]

Hsieh, H. F., & Shannon, S. E. (2005). Three approaches to qualitative content analysis. *Qualitative Health Research*, *15*(9), 1277–1288. https://doi.org/10.1177/1049732305276687

Huisman, J., & Smits, J. (2017). Duration and quality of the peer review process: The author's perspective. *Scientometrics*, *113*, 633–650. https://doi.org/10.1007/s11192-017-2310-5

Iivari, J. (2016). How to improve the quality of peer reviews? Three suggestions for system-level changes. *Communications of the Association for Information Systems*, *38*(12), 263–273. https://doi.org/10.17705/1CAIS.03812

Jahani, A., & Salehi, K. (2025). Problems in the peer-review process of scientific journals affiliated with the Ministry of Science: Causes and solutions. *Iranian Higher Education, 16*(4), 68–91. http://ihej.ir/article-1-2086-fa.html [In Persian]

Jefferson, T., Alderson, P., Wager, E., & Davidoff, F. (2002). Effects of editorial peer review: A systematic review. *JAMA*, *287*(21), 2784–2786. https://doi.org/10.1001/jama.287.21.2784

Kadaifci, C., Isikli, E., & Topcu, Y.I. (2025). Fundamental problems in the peer-review process and stakeholders' perceptions of potential suggestions for improvement. *Learned Publishing*, *38*, e1637. 10.1002/leap.1637. https://doi.org/10.1002/leap.1637

Kazempour, Z., Ashrafi-Rizi, H., & Hashemian, M. R. (2025). A proposed ethical charter for peer review of scientific works in the field of health: A perspective. *Iranian Journal of Medical Ethics and History of Medicine*, *17*(1), 187–194. https://ijme.tums.ac.ir/article-1-6652-fa.html [In Persian]

Kelly, J., Sadeghieh, T., & Adeli, K. (2014). Peer review in scientific publications: Benefits, critiques, & a survival guide. *IFCC Journal*, *25*(3), 227–243. https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/27683470/

Kordestani, G. R., & Rajabdorri, H. (2021). A model of factors influencing internal reporting of financial misconduct with emphasis on the bystander phenomenon. *Accounting and Auditing Review*, *28*(1), 135–160. https://doi.org/10.22059/acctgrev.2021.300584.1008372 [In Persian]

Kordestani, G. R., & Rajab-Dari, H. (2025). Developing a framework for evaluating qualitative accounting articles. *Journal of Financial Accounting Knowledge*, *12*(3), 21–47. https://doi.org/10.30479/jfak.2025.22067.3295 [In Persian]

Kundzewicz, Z. W., & Koutsoyiannis, D. (2005). Editorial—The peer-review system: Prospects and challenges. *Hydrological Sciences Journal*, *50*(4), 577–590. https://scispace.com/pdf/discussion-of-editorial-the-peer-review-system-prospects-and-onemptz3zj.pdf

Lawshe, C. H. (1975). A quantitative approach to content validity. *Personnel Psychology*, *28*(4), 563–575. https://doi.org/10.1111/j.1744-6570.1975.tb01393.x

Lee, C. J. (2015). Commensuration bias in peer review. *Philosophy of Science*, *82*(5), 1272–1283. http://faculty.washington.edu/c3/Lee_2015.pdf

Li, Y., X. Xu, D. Lyu, Z. Zhang, J. Xie, & Y. Cheng. (2025). Developing a criteria framework for peer review: A critical interpretive synthesis. *Learned Publishing, 38* (3), e2016. https://doi.org/10.1002/leap.2016

Lincoln, Y. S., & Guba, E. G. (1985). *Naturalistic inquiry*. Sage Publications. https://doi.org/10.1016/0147-1767(85)90062-8

Ma, Z., Pan, Y., Yu, Z., Wang, J., Jia, J., & Wu, Y. (2013). A quantitative study on the effectiveness of peer review for academic journals. *Scientometrics*, *95*(1), 1–13. https://doi.org/10.1007/s11192-012-0879-2

Manchikanti, L., Kaye, A. D., Boswell, M. V., & Hirsch, J. A. (2015). Medical journal peer review: Process and bias. *Pain Physician, 18*, E1–E14. https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/25675064/

Mirzaei, S. A., Ayoubi-Ardakan, M., Qarakhani, M., & Sheikh-Shoaei, F. (2006). Peer review in scientific journals: A case study of the *Iranian Journal of Sociology*. *Iranian Journal of Sociology*, *7*(4), 147–179. http://www.jsi-isa.ir/article_25439.html [In Persian]

Misra, D. P., Ravindran, V., & Agarwal, V. (2018). Integrity of authorship and peer review Practices: Challenges and opportunities for improvement. *Journal of Korean Medical Science*, *33*, e287. https://doi.org/10.3346/jkms.2018.33.e287

Momeni, M., & Fa'al-Qayoumi, A. (2010). *Statistical analyses using SPSS* (2nd ed.). Ketab-e Now Publications. [In Persian]

Motalebi-Fard, A., Nave Ebrahim, A. R., Mohabbat, H., & Sadin, A. A. (2013). Pathology and development of a framework for peer review of scientific works: A qualitative approach. *Knowledge Studies*, *6*, 73–84. https://sanad.iau.ir/Journal/qje/Article/1041082 [In Persian]

Namazi, M., & Rajabdorri, H. (2018). Professional ethics of auditing in Iran: A content analysis. *Empirical Studies in Financial Accounting*, *15*, 1–34. https://doi.org/10.22054/qjma.2018.9822 [In Persian]

Newton, D. P. (2010). Quality and peer review of research: An adjudicating role for editors. *Accountability in Research*, *17*(3), 130–145. https://doi.org/10.1080/08989621003791945

Norouzi-Chakli, A. R. (2020). Editor's note: Challenges of scientific peer review and its impact on improving the quality of journals and developing knowledge. *Scientometrics Research Journal, 6*, 1–3. https://doi.org/10.22070/rsci.2020.1187 [In Persian]

Norouzi-Chakli, A. R. (2025). Editor's note: The post-publication open peer-review model: An opportunity or a challenge for scientific journals? *Scientometrics Research Journal*, *10*(2), 1–4. https://doi.org/10.22070/rsci.2024.4582 [In Persian]

Olia, M. B., & Shakiba, M. (2008). How to review research articles scientifically and systematically. *Scientific Research Journal of Shahid Sadoughi University of Medical Sciences*, *16*(2), 3–8. https://jssu.ssu.ac.ir/browse.php?a_id=656&sid=1&slc_lang=fa [In Persian]

Panahi, C., Fakharpour, S., & Sedghi, S. (2021). Faculty members' perspectives at Alborz University of Medical Sciences regarding open peer review of journal articles. *Payavard Salamat*, *15*(6), 519–528. http://payavard.tums.ac.ir/article-1-7144-fa.html [In Persian]

Parasuraman, A., Zeithaml, V.A., & Berry, L.L. (1988). SERVQUAL: A multiple-item scale for measuring consumer perceptions of service quality. *Journal of Retailing, 64*(1), 12-40. https://www.marketeurexpert.fr/wp-content/uploads/2023/12/servqual.pdf

Pellicori, P., Douxfils, J., Mentz, R. J., Cleland, J. G. F., & Beaudart, C. (2025). The growing demand for peer review: Current challenges and potential reforms. *British Journal of Biomedical Science*, *82*, 14930. https://doi.org/10.3389/bjbs.2025.14930

Ragone, A., Mirylenka, K., Casati, F., & Marchese, M. (2013). On peer review in computer science: analysis of its effectiveness and suggestions for improvement. *Scientometrics*, *97*, 317–356. https://doi.org/10.1007/s11192-013-1002-z

Rezaeian, M. (2007). Post-publication peer review. *Journal of Rafsanjan University of Medical Sciences*, *6*, 217–218. http://journal.rums.ac.ir/browse.php?a_id=404&sid=1&slc_lang=fa [In Persian]

Rezaeian, M. (2010). A review of editorial peer review. *Journal of Rafsanjan University of Medical Sciences*, *9*, 125–134. https://civilica.com/doc/1710341/ [In Persian]

Rivera, H., & Teixeira da Silva, J. A. (2021). Retractions, fake peer reviews, and paper mills. *Journal of Korean Medical Science*, *36*, e165. https://doi.org/10.3346/jkms.2021.36.e165

Ross-Hellauer, T. (2017). What is open peer review? A systematic review. *F1000Research*, *6*, 588. https://doi.org/10.12688/f1000research.11369.2

Ross-Hellauer, T., & Görögh, E. (2019). Guidelines for open peer review implementation. *Research Integrity and Peer Review*, *4*, 4. https://doi.org/10.1186/s41073-019-0063-9

Ross-Hellauer, T., Deppe, A., & Schmidt, B. (2017). Survey on open peer review: Attitudes and experience amongst editors, authors and reviewers. *PLoS ONE*, *12*(12), e0189311. https://doi.org/10.1371/journal.pone.0189311

Rowland, F. (2002). The peer-review process. *Learned Publishing*, *15*(4), 247–258. https://doi.org/10.1087/095315102760319206

Salimi, A., & Sadr, M. (2019). The role of peer review in improving the quality of scientific articles. *Journal of the Iranian Medical Council*, *37*(2), 60–61. https://jmciri.ir/article-1-2902-fa.html [In Persian]

Seeber, M. (2020). How do journals of different rank instruct peer reviewers? *Scientometrics*, *122*, 1387–1405. https://doi.org/10.1007/s11192-019-03343-1

Sheikhi-Chaman, M. R., Sandegol, S., Hamouzadeh, P., & Sourasrafil, A. (2022). The cycle of producing valid scientific evidence: The role of peer review and reviewers' motivation (Letter to the editor). *Payesh, 21*(6), 637–640. https://payeshjournal.ir/browse.php?a_id=1969&sid=1&slc_lang=fa [In Persian]

Sheikh-Shoaei, F., & Hosseini, M. (2009). Essential features of content management and peer-review software for scientific journals. *Iranian Journal of Information Processing and Management, 25*(2), 289–315. https://jipm.irandoc.ac.ir/article_699014.html [In Persian]

Sizo, A., Lino, A., Rocha, Á., & Reis, L. P. (2025). Defining quality in peer review reports: A scoping review. *Knowledge and Information Systems, 67*(8), 6413–6460. https://doi.org/10.1007/s10115-025-02435-0

Superchi, C., González, J. A., Solà, I., Cobo, E., Hren, D., & Boutron, I. (2019). Tools used to assess the quality of peer review reports: A methodological systematic review. *BMC Medical Research Methodology, 19*, 48. https://doi.org/10.1186/s12874-019-0688-x

Tahririan, M. H., & Sadri, E. (2013). Peer reviewers' criticisms of research articles submitted by Iranian researchers. *Language Teaching Research, 5*, 1–21. https://www.ensani.ir/file/download/article/20140312113843-9623-106.pdf

Tamblyn, R., Girard, N., Qian, C. J., & Hanley, J. (2018). Assessment of potential bias in research grant peer review in Canada. *CMAJ, 190*, E489–E499. https://doi.org/10.1503/cmaj.170901

Tennant, J. P. (2018). The state of the art in peer review. *FEMS Microbiology Letters, 365*, fny204. https://doi.org/10.1093/femsle/fny204

Tennant, J. P., & Ross-Hellauer, T. (2020). The limitations of machine-to-machine exchange of peer review data. *Research Integrity and Peer Review, 5*(6), 1-2. https://doi.org/10.1186/s41073-020-00092-1

Tomkins, A., Zhang, M., & Heavlin, W. D. (2017). Reviewer bias in single- versus double-blind peer review. *PNAS, 114*, 12708–12713. https://doi.org/10.1073/pnas.1707323114

Van Rooyen, S. (2001). The evaluation of peer-review quality. *Learned Publishing, 14*(2), 85–91. https://doi.org/10.1087/095315101300059413

Wicherts, J. M. (2016). Peer review quality and transparency of the peer-review process in open access and subscription journals. *PLoS ONE, 11*(1), e0147913. https://doi.org/10.1371/journal.pone.0147913

Winck, J. C., Fonseca, J. A., Azevedo, L. F., & Wedzicha, J. A. (2011). To publish or perish: How to review a manuscript. *Rev Port Pneumol, 17*(1), 4–8. https://doi.org/10.1016/s0873-2159(11)70022-8

Woldeamanuel, A. G. (2025). Peer review: A highly valuable service but less recognized. *Journal of Innovation and Entrepreneurship, 14*(1), 25. https://doi.org/10.1186/s13731-025-00479-8

Zahedi-Asl, S. (2013). What should we do about peer-review problems in journals? *Iranian Journal of Endocrinology and Metabolism, 15*(1), 1–2. http://ijem.sbmu.ac.ir/article-1-1550-fa.html [In Persian]

Zheng, X., Chen, J., Tollas, A., & Ni, C. (2023). The effectiveness of peer review in identifying issues leading to retractions. *Journal of Informetrics*, *17*(3), 101423. https://chaoqunni.github.io/papers/retraction.pdf

Zimba, O., & Gasparyan, A. Y. (2021). Peer review guidance: A primer for researchers. *Reumatologia*, *59*(1), 3–8. https://doi.org/10.5114/reum.2021.102709

[1] Peer Review
[2] SERVQUAL
[3] Reliability
[4] Assurance
[5] Tangibles
[6] Empathy
[7] Responsiveness
[8] Conventional Content Analysis
[9] Google Scholar
[10] Scopus
[11] ProQuest

[12] شامل ارشاد و همکاران (١٣٨٤)، میرزایی و همکاران (١٣٨٥)، رضاییان (١٣٨٦)، اولیا و شکیبا (١٣٨٧)، شیخ‌شعاعی و حسینی (١٣٨٨)، فرامرزقراملکی (١٣٨٩)، ابراهیمی و فرج‌پهلو (١٣٨٩)، عطاران و همکاران (١٣٨٩)، رضاییان (١٣٨٩)، ابویی‌اردکان و میرزایی (١٣٨٩)، فتاحی (١٣٩٠)، فدایی (١٣٩٠)، مطلبی‌فرد و همکاران (١٣٩٢)، زاهدی‌اصل (١٣٩٢)، امان‌اللهی و همکاران (١٣٩٣)، حسینی و همکاران (١٣٩٣)، اشرفی‌ریزی (١٣٩٨)، سلیمی و صدر (١٣٩٨)، نوروزی‌چاکلی (١٣٩٩)، پناهی و همکاران (١٤٠٠)، ابراهیم‌پور و همکاران (١٤٠١)، شیخی‌چمان و همکاران (١٤٠١) و نوروزی‌چاکلی (١٤٠٣).

[13] Fletcher & Fletcher (1997), van Rooyen (2001), Rowland (2002), Jefferson et al. (2002), Kundzewicz & Koutsoyiannis (2005), Newton (2010), Cobo et al. (2011), Hirst & Altman (2012), Ma et al. (2013), Ragone et al. (2013), Alabi & Weare (2014), Fresco-Santalla & Hernández-Pérez (2014), Kelly et al. (2014), Lee (2015), Manchikanti et al. (2015), Hak et al. (2016), Wicherts (2016), Helmer et al. (2017), Huisman & Smits (2017), Ross-Hellauer (2017), Ross-Hellauer et al. (2017), Tomkins et al. (2017), Committee on Publication Ethics [COPE]. (2017), Fortin-Guichard et al. (2018), Misra et al. (2018), Tamblyn et al. (2018), Tennant (2018), Allen et al. (2019), Dericks et al. (2019), Feliciani et al. (2019), Ross-Hellauer & Görögh (2019), Superchi et al. (2019), Tennant & Ross-Hellauer (2020), Rivera & Teixeira da Silva (2021), Zimba & Gasparyan (2021), Holst et al. (2022), Candal-Pedreira et al. (2023), Zheng et al. (2023), Burt (2024), Sizo et al. (2025), Woldeamanuel (2025), Tahririan & Sadri (2013).

[14] مفاهیم معنادار عبارت‌هایی هستند که بیانگر ایده، نظر یا تجربه‌ای مرتبط با کیفیت داوری یا رضایت پژوهشگران و به‌تنهایی قابل تفسیر و کدگذاری باشند (Hsieh & Shannon, 2005).

[15] شاخص نسبت روایی محتوا از رابطهٔ زیر محاسبه می‌شود:

$$CVR = \frac{n_e - \frac{N}{2}}{\frac{N}{2}}$$

که در آن، n_e تعداد خبرگانی است که گویه را «ضروری» تشخیص داده‌اند و N تعداد کل خبرگان است.

[16] Simple Random
[17] Google Forms

[18] معیار ورود به پژوهش مقطع تحصیلی نبوده، بلکه تجربهٔ واقعی شرکت در فرایند داوری همتا بوده است. بر این اساس، فقط دانشجویان کارشناسی ارشدی در نمونه قرار گرفتند که در یک سال گذشته، دست‌کم یک مقاله به نشریه‌های علمی ارسال و گزارش داوری دریافت کرده بودند. بسیاری از دانشجویان کارشناسی‌ارشد، به ویژه در رشتهٔ حسابداری، در قالب پایان‌نامه یا پژوهش‌های مشترک با اعضای هیئت‌علمی، تجربهٔ انتشار مقاله و تعامل مستقیم با فرایند داوری را دارند؛ بنابراین، از آنجا که موضوع پژوهش سنجش رضایت از کیفیت داوری است، ملاک اصلی تجربهٔ زیسته از فرایند داوری بوده است، نه مرتبهٔ علمی یا مدرک تحصیلی. برای برطرف‌شدن ابهام، این موضوع در بخش روش پژوهش نیز به‌صراحت تشریح شد.